پرواز پرتغال با فلسفه‌چینی ۲۴

فیگو به من روحیه داد ۲۴

دومنک : ما داستان خودمان را داریم ۲۵

فیگو ، یک قدم تا آرزوی بزرگ .. ۲۶

عکس: فرهاد کاوه، شرق

از اروپا خبری نیست

بازار کساد ملی‌پوشان ایران بعد از جام جهانی

گروه ورزش، صدرا مهرابی: قبل از شروع جام جهانی و در شرایطی که ستاره‌های تیم ملی خودشان را برای رفتن به آلمان آماده می‌کردند، این طرف و آن طرف بازار پیشنهادهای کوچک و بزرگ داغ داغ بود. چه از طرف باشگاه‌های داخلی که با واسطه پیغام پسغام می‌فرستادند و چه منیجرهایی که با اشاره به حوزه کاری فعالیت‌شان در اروپا و یا حداقل امارات حتی با سفر به سوئیس در حین اردوی دو هفته‌ای تیم ملی به دنبال گرفتن قرارداد رسمی برای شروع مذاکرات بودند. اما جواب‌ها از سوی بازیکنانی که قرار بود به واسطه حضور در جام جهانی با افزایش قیمت چند برابری در قراردادها مواجه شوند، قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسید. وقتی از آنها درباره فصل بعد و تیم جدید می‌پرسیدی، نگاهی حق به جانب می‌کردند و می‌گفتند: «تا بعد از جام جهانی صبر می‌کنم. بعد تصمیم می‌گیرم. باید ببینم از اروپا پیشنهاد می‌رسد یا نه؟»

این حکایت حداقل برای پانزده نفر از شاخ شمشادهای تیم ملی صادق بود، هر چند که طرفدارها نیز ترجیح می‌دادند بدون توجه به پیشنهادهای رسیده، به توصیه مدیر برنامه‌ها تا آخر جام جهانی صبر پیشه کنند.

اما درباره اوضاع و احوال فعلی و با احتساب تجربه یک جام جهانی برای اصلی‌ها و ذخیره‌ها شرایط خیلی هم راضی‌کننده نیست. از جمع همه آن پیشنهادهای خارجی و دلال‌های پرکار دوروبر تیم ملی آنچه باقی مانده گمانه‌زنی و احتمالات درباره قطعی شدن حداکثر دو سه قرارداد جدید برای ایرانی‌ها است. نکته‌ای که به گفته یک کارگزار ایرانی‌الاصل فوتبال در انگلیس بعید است دست آخر پایانی خوش به همراه داشته باشد. نکته جالب‌تر البته اینجا است که ستاره فصل نقل و انتقالات در فاصله دو سه هفته‌ای تا اتمام مهلت اعلام شده نیکبختی است که حتی به جای ستار زارع مصدوم نیز نتوانست به آلمان برود.

۱- ابراهیم میرزاپور: کارنامه متوسط او اگرچه پس از بازی دوم با پرتغال اسمش را از لیست مقصرین باخت تیم ملی کنار گذاشت اما به هر حال نمی‌توان او را با شماره یک دو سه سال قبل مقایسه کرد. فعلاً خبری از باشگاه‌های داخلی نیست و پرسپولیس هم که زمانی مشتری او بود با چرخش به سمت مهدی واعظی تنها پیشنهاد موجود را به یک تیم پرتغالی محدود کرده. ناسیونال مادورا که از قرار معلوم سال قبل پنجم لیگ شده و برای رسیدن به جام یوفا باید از اینترتوتو کارش را شروع کند، طبق شایعات رسیده خواستار استخدام یک گلر ایرانی است. اتفاقی که در کل تاریخ فوتبال ایران فقط دو بار ختم به خیر شده، میرزاپور اوایل هفته بعد به پرتغال می‌رود.

۲- مهدی مهدوی کیا: مهدی یک فصل دیگر با هامبورگ قرارداد دارد و این یعنی اینکه او هیچ جا نمی‌رود. به نظر می‌رسد هامبورگ قبل از به پایان رسیدن قرارداد مهدوی کیا یک قرارداد حداقل دو سه ساله جدید پیش رویش بگذارد.

۳- سهراب بختیاری‌زاده: زننده یکی از دو گل ایران در جام جهانی مدافع با کلاسی است که برخلاف پیش‌بینی‌های اولیه هنوز در بازار نقل و انتقالات گل نکرده. درباره سهراب که در زمان حضور تیم ملی در آلمان حتی رفتنش به یک تیم اسپانیایی هم سر زبان‌ها افتاد تا این لحظه خبر جدیدی به گوش نرسیده. سهراب ثابت کرده که در خلوت کارش را بهتر جلو می‌برد.

۴- یحیی گل‌محمدی: احتمال تمدید قراردادش با صباباتری کم نیست، اگرچه یحیی پس از خداحافظی با فوتبال ملی و در پایان عمر فوتبالی‌اش، به هیچ وجه شانسی برای حضور در فهرست پرطرفدارها ندارد. از یحیی یک خبر دیگر هم داشتیم و آن اینکه باشگاه گالکسی لس‌آنجلس مثل علی دایی خبر به خدمت گرفتن گل محمدی را نیز تکذیب کرد.

۵- رحمان رضایی: به طور واضح مشخص است که همه چیز به سقوط مسینا به دسته پایین‌تر بستگی دارد. اگر دادگاه تشکیل شده در ایتالیا چهار تیم متهم به تبانی را مقصر بشناسد و البته به خاطر تخلفات بیشتر یوونتوس آنها را راهی دسته دوم کند، رحمان باز هم در این تیم ماندنی خواهد شد. یک تیم لیگ برتری انگلیس نیز از هفته قبل مذاکرات را برای جذب رحمان شروع کرده.

۶- جواد نکونام: در دو راهی استقلال، هرتابرلین حدس زدن اسم تیم جدید نکونام کار سختی نیست. نکونام که در زمره پرامیدها برای لژیونر شدن قرار داشت و گفته می‌شد پس از جام جهانی یکی از ترانسفرهای مهم چندساله اخیر را رقم می‌زند، با نمایش نه‌چندان قابل توجه حتی رفتنش به هرتا را نیز تحت تاثیر قرار داده. با این وجود اگر مذاکرات دوروبری‌های استقلال با او به نتیجه برسد، بی‌بروبرگرد عنوان آس‌ترین نقل و انتقال فصل به نکونام تعلق خواهد گرفت.

۷- فریدون زندی: از معدود خوب‌های تیم ملی می‌تواند به اتکای بازی در جام جهانی امسال نیز مثل اوایل فصل قبل کایزرسلاترن که با شماره ده به هواداران معرفی شد، انتظار یک فصل درخشان را بکشد. اگر این آرزو هم برآورده نشد، اخبار فریدون را از بوندس‌لیگای دو باید دنبال کنیم.

۸- علی کریمی: تمدید قراردادش با بایرن‌مونیخ قبل از جام جهانی این حسن را دارد که کسی گوشش به حرف‌هایی که این روزها درباره‌اش می‌گویند، بدهکار نباشد. البته این وسط کریمی یک مسئولیت مهم دارد و آن جبران مافات و بدبیاری‌های جام جهانی با نمایش قابل قبول در بایرن فصل جدید است. شماره هشت محبوب تنها در این صورت است که مثل سابق در بورس قرار خواهد گرفت.

۹- وحید هاشمیان: نویرورر مربی هانوفر درباره عملکرد هاشمیان گفته وحید فقط بدشانسی آورده وگرنه می‌توانست با پاس‌های همبازی‌هایش تیمش را تا رسیدن به مرحله دوم همراهی کند. برای هاشمیان که دو فصل بد را پشت سر گذاشته، دعا کنید.

۱۰- علی دایی: بعد از تکذیب گالکسی، پاس هم استخدام کاپیتان سابق تیم ملی را رد کرد. اگرچه دایی به واسطه ارتباطات پشت پرده بعید است بدون تیم بماند، اما واقعیت اینجا است که هیچ تیمی رغبتی برای خرید دایی ندارد. تیمی که دایی را داشته باشد، باید در انتظار فصل پرحاشیه‌ای باشد.

۱۱- رسول خطیبی: می‌گفتند از تنه‌ریف اسپانیا پیشنهاد دارد، اما دست آخر به شارجه امارات رفت. رسول که از قراردادش با شارجه راضی است در جالب‌ترین اظهارنظرش گفته اینجا راه پیشرفت بیشتر باز است.

۱۲- حسن رودباریان: کاپیتان پاس کجا برود بهتر از خود پاس؟ حسن فصل بعد هم در پاس می‌ماند تا شاید بالاخره خودش را به نزدیکی شماره یک تیم ملی برساند.

۱۳- حسین کعبی: باز هم بحث رفتن به انگلیس داغ شده. از طرف دیگر استقلال برای عقب نماندن از پرسپولیس پشت سر هم حرف کعبی را پیش می‌کشد. بعضی‌ها هم می‌گویند مقصد بعدی یک تیم آلمانی است پس چاره‌ای نیست، یک هفته دیگر دندان روی جگر بگذارید.

۱۴- آندرانیک تیموریان: آنقدر این روزها زنگ‌خور موبایلش بالا رفته که مجبور شود به تلفن‌ها جواب ندهد. آندو که در بین این همه پیشنهاد اغواکننده گرفتار شده، دوست دارد همه را ذوق‌زده کند. منتظر باشید.

۱۵- آرش برهانی: آرش قبل از رفتن به آلمان با النصر قرارداد بست تا احیاناً با حضور کوتاه در جام جهانی شرایطش به خطر نیفتد.

۱۶- رضا عنایتی: همان‌طور که قبلاً هم گفته بود از استقلال می‌رود. مقصد امارات است هر چند که عنایتی کمی صبر کرد تا شاید با حضور احتمالی در ترکیب تیم ملی مشتری دست به نقد اروپایی هم پیدا کند.

۱۷- جواد کاظمیان: روزنامه ارگان باشگاه پرسپولیس دیروز نوشته بود که استقلالی‌ها در تب ملاقات پنج‌دقیقه‌ای با کاظمیان می‌سوزند. با جمیع جهات و به‌رغم تلاش استقلالی‌ها، کاظمیان که بیشترین طلب را از باشگاه دارد، همچنان پرسپولیسی باقی خواهد ماند.

۱۸- محرم نویدکیا: لابی یکی از منیجرهای مقیم آلمان برای دعوت محرم به تیم ملی پس از مصدومیت زارع، ره به جایی نبرد. محرم قراردادش را برای دو سال دیگر با سپاهان تمدید کرده.

۱۹- امیر حسین صادقی: خودش ادعا کرده که یک تیم سوئیسی مشتری او بوده اما به عشق قلعه‌نویی و استقلال به آنها جواب رد داده، به هر ترتیب او فصل ۸۶-۸۵ هم یکی از مدافعان استقلال خواهد بود. در این مورد شک نداشته باشید.

۲۰- محمد نصرتی: می‌گویند یک پیشنهاد وسوسه‌انگیز از استقلال اهواز دارد، اما شنیده می‌شود که پاسی‌ها به هیچ عنوان نمی‌خواهند او را از دست بدهند. این یعنی، آنها اگر می‌خواهند مدافع چپ تیم ملی را در جام جهانی حفظ کنند باید دست به جیب شوند و پول خوبی به او بدهند. بالاخره نصرتی در جام جهانی بازی کرده و همین قیمتش را بالا برده. حالا هم به‌نظر نمی‌رسد که پاسی‌ها به خاطر پول نصرتی را از دست بدهند و این یعنی، استقلال اهواز باید به دنبال یک مدافع دیگر باشد.

۲۱- مهرزاد معدنچی: احتمال اینکه معدنچی را در تیم دیگری غیر از پرسپولیس ببینیم بسیار کم است. البته با آمدن نیکبخت به پرسپولیس چپ این تیم حسابی پر شده و اگر یک پیشنهاد خارجی خوب برای معدنچی به باشگاه پرسپولیس برسد، انصاری‌فرد به‌طور جدی روی آن فکر می‌کند. از آنجا که معدنچی در هر سه بازی ایران در جام جهانی به میدان رفته شاید خبرهایی شود هرچند که احتمالش کم است و او در پرسپولیس ماندگار است.

۲۲- وحید طالب‌لو: فصل گذشته او آنقدر در استقلال خوش درخشید که مدیران باشگاه به هیچ‌وجه به از دست دادن او رضایت نمی‌دهند. می‌گویند فردای روزی که تیم ملی به تهران آمده، به امیر قلعه‌نویی تلفن کرده و از او پرسیده که تمرینات استقلال از کی شروع می‌شود. این نشان می‌دهد که وحید از چه انگیزه‌ای برای تمرین کردن و درخشش در رقابت‌های فصل آینده لیگ برتر برخوردار است. باید به این هم اشاره کنیم که به عقیده خیلی‌ها، حالا وقت خوبی است برای اینکه پیراهن شماره یک ملی را به طالب‌لو بدهیم و او را برای رقابت‌های چهار سال بعد جام جهانی آماده کنیم. البته اول باید ببینیم که او فصل آینده با پیراهن شماره یک استقلال چه می‌کند.

۲۳- مسعود شجاعی: هافبک خوش تکنیک سایپا مشتری‌های زیادی دارد. البته شجاعی یک سال دیگر با سایپا قرارداد دارد و بعید است که سایپایی‌ها حاضر شوند ستاره تیم‌شان را به تیم دیگری واگذار کنند. با این حال در بازار نقل و انتقالات اتفاق غیرممکن وجود ندارد و اگر شجاعی را در استقلال دیدید تعجب نکنید. دوطرف به هم علاقه‌مندند.

پیشینه دیدار فرانسه – پرتغال

تاریخ به سود خروس‌ها

مهدی زعیم‌زاده: ۲۸ ژوئن ۲۰۰۰ بروکسل پایتخت بلژیک میزبان رویارویی پرتغال و فرانسه در نیمه‌نهایی یورو ۲۰۰۰ بود. ۴۷هزار نفر منتظر بودند تا یک نبرد سراسر هیجان را ببینند. پرتغال تیم دوست‌داشتنی آن رقابت‌ها محسوب می‌شد و محبوبیت این تیم از همان بازی اول شروع شد. جایی که این تیم دو گل عقب افتاده از انگلیس را با سه گل زیبای لوئیس فیگو، ژائو پینتو و نونو گومز جبران کرد و فاتح آن دیدار کلاسیک و به یادماندنی شد. تیم اومبرتو کوئیلیو زیبا و باطراوت بازی می‌کرد. نسل طلایی پرتغال شامل بازیکنانی چون فیگو، کاستا، بایا، ژائو پینتو، پائولو سوسا و ساپینتو این فرصت را پیدا کرده بودند تا برای اولین بار در رده بزرگسالان افتخارآفرینی کنند. در ویترین افتخارات اغلب آنها قهرمانی جوانان جهان دیده می‌شد ولی آخرین اثر قابل توجه از پرتغال در رقابت‌های مهم به جام جهانی ۱۹۶۶ برمی‌گشت. پرتغال مصمم شده بود که به انتظار دیرینه خود پایان دهد. آنها در مرحله گروهی فوق‌العاده بودند و به لطف درخشش فیگوی هنرمند و نونو گومز گلزن هر سه بازی خود را با پیروزی پشت سر گذاشتند. پرتغال پس از آن برد تاریخی مقابل انگلیس در دیدار دوم با گل دقیقه ۹۰ کاشتینیا رومانی را شکست داد و صعودش به دور بعدی مسجل شد. جالب اینکه تیم ذخیره‌های پرتغال در دیدار آخر خود با سه گل سرجیو کونسیسائو آلمان را درهم کوبید و با ۹ امتیاز حریف ترکیه در یک چهارم نهایی شد. این بار نوبت نونو گومز بود تا با ۲ گل، تیمش را به نیمه‌نهایی برساند. حریف پرتغال آماده و قهرمان جهان بود. فرانسه ۲۰۰۰ به مراتب تیم بهتری نسبت به دو سال پیش بود. مشکل خط حمله این تیم با جا افتادن تیری آنری ۲۳ ساله حل شده بود، ویرا نیز خود را به ترکیب اصلی تحمیل کرده بود. زیدان، ژورکائف و بلان هم بهتر از دو سال پیش خود بودند و در واقع نیمه‌نهایی بروکسل مصاف دو تیم آماده یورو ۲۰۰۰ بود. فرانسه در مرحله گروهی پس از پیروزی مقابل دانمارک و چک در بازی سوم خود در یک دیدار تشریفاتی مغلوب یکی از دو میزبان رقابت‌ها، هلند شد. البته آن شکست نشان‌دهنده ضعف فرانسوی‌ها نبود، روژه لمه در آن بازی تیم دوم خود را به میدان فرستاد. به هر ترتیب فرانسه در دور بعد با دو گل ژورکائف و زیدان با نتیجه دو بر یک اسپانیا را شکست داد. فراموش نکنیم که فرانسه در آن بازی کمی هم خوش شانس بود چرا که رائول در دقیقه ۹۰ یک پنالتی را خراب کرد. به هر ترتیب فرانسه با عبور از رقبای نسبتاً دشوارتری حریف پرتغال شد. قابل پیش‌بینی بود که بازی دو تیم جدال حساسی از آب دربیاید. ترکیب فرانسه را همان نفرات آشنای همیشگی تشکیل می‌دادند: بارتز، تورام، بلان، دسایی، لیزارازو، ویرا، دشان، پتی، زیدان، آنلکا و آنری. برای پرتغال ویتور بایای صاحب‌نام دروازه‌بان بود آبل ژاویر، فرناندو کوتو، خورخه کاستاو مانوئل دیماش خط دفاعی این تیم را تشکیل می‌دادند. در خط میانی قدرتمند پرتغال کاشتینیا، ویدیگال، کونسیسائو، کاستا و فیگو حضور داشتند و بالاخره نونو گومز تک‌مهاجم این تیم به شمار می‌رفت. پرتغال با انگیزه در همان نیمه اول به یک گل رسید. باز هم نونو گومز بود که گل زد و شمار گل‌های خود در آن تورنمنت را به چهار رساند.

فرانسه در آن سال‌ها به راحتی نمی‌باخت و گل آنری در دقیقه ۵۱ کار را به تساوی کشاند و بازی را روانه وقت اضافی کرد. در دو تیم هنرمندانی چون زیدان و فیگو حضور داشتند و تماشاگران حاضر در بروکسل دیداری جذاب را تماشا کردند. دو تیم نمی‌خواستند کار به وقت اضافی بکشد. فرانسه تمامی نفرات هجومی خود ازجمله پیرس، ویلتورد و ترزگه را به میدان فرستاد تا بلکه کار را قبل از ضربات پنالتی تمام کند و به هدف خود هم رسید. یک فرار از ویلتورد دروازه بایا را در آستانه فروپاشی قرار داد. آبل ژاویر دفاع راست پرتغال توپ را از دروازه بیرون کشید. کمک‌داور اعلام خطای هند کرد و داور پنالتی گرفت. آبل ژاویر را که فراموش نکرده‌اید همان بازیکنی که با ظاهر عجیب خود همه را حیرت‌زده می‌کرد! پرتغالی‌ها شدیداً معترض بودند و به سمت کمک‌داور هجوم آوردند. اعتراض آنها آنقدر شدید بود که داور مجبور شد نونو گومز را اخراج کند. تصاویر تلویزیونی نشان می‌داد که حق با داور بوده. یک پنالتی سرنوشت‌ساز در دقیقه ۱۱۷. فقط از بازیکنی چون زیزو برمی‌آمد که پشت آن ضربه بایستد و با گل طلایی خود فرانسه را روانه فینال کند. پرتغال دوست‌داشتنی همانجا حذف شد و چند روز بعد یوفا چند بازیکن این تیم ازجمله آبل ژاویرو نونوگومز را با محرومیت‌های چندماهه نقره‌داغ کرد. در آن سو جشن فرانسه با پیروزی اعجاب‌آورش در فینال مقابل ایتالیا تکمیل شد. فرانسه از رویارویی با پرتغال در مرحله نیمه‌نهایی خاطرات شیرینی دارد. باید به مصاف دو تیم در سال ۱۹۸۴ نیز اشاره کرد. آن مسابقه نیز در مرحله نیمه‌نهایی جام ملت‌های اروپا بود و مثل دیدار دو تیم در سال ۲۰۰۰ به وقت اضافه کشیده شد. در نهایت فرانسه ۳ بر ۲ آن بازی را برد و در فینال نیز با پیروزی دو بر صفر مقابل اسپانیا قهرمان اروپا شد. در واقع هر موقع که فرانسه در نیمه‌نهایی پرتغال را سد راه خود دیده آن را شکست داده و در نهایت قهرمان تورنمنت شده، این مسئله می‌تواند فرانسوی‌های خرافاتی را به دیدار امشب خوشبین‌تر کند. فیگو و کاشتینیا تنها بازماندگان پرتغال از آن بازی هستند، پائولتا نیز روی نیمکت حضور داشت ولی به بازی گرفته نشد. در آن سو از فرانسوی‌ها بازیکنان بیشتری به جا مانده: بارتز، تورام، ویرا، زیدان، آنری، ترزگه و ویلتورد آن پیروزی خاطره‌انگیز را تجربه کرده‌اند و به دنبال تکرار آن هستند.

XLC
موسسه آموزشی پژوهشی شهیری
آموزش مکالمه انگلیسی به روش اعجاب انگیز X (غیر حضوری)
جهت فروش محصولات خود در سراسر کشور نماینده فعال می‌پذیرد.
دفتر مرکزی: ۳-۷۰-۶۶ ۲۶ ۲۲ فکس: ۷۶ ۶۶ ۲۶ ۲۲
همراه: ۰۹۱۲ ۳۹۳ ۵۷۷۰

دقیقه صفر

دفاع از سیموئز وظیفه ما است

پژمان راهبر

دوستی می‌پرسد عجیب نیست با این میزان اعتماد به نفس بیرون نشسته؟ و پاسخش این است که خیر، عجیب نیست، ایشان امتحان خود را تمام و کمال پس داده‌اند.

«ایشان» آقای جلال چراغپور هستند. مربی فوتبال که معمولاً به عنوان «کارشناس» از ایشان یاد می‌شود. «ایشان» که طرفداران فوتبال هنوز خاطرشان هست روزی را که در برنامه نود به تحلیل بازی پرسپولیس و پاس پرداخت و از واژه‌هایی مثل «قیف» استفاده کرد. بله، یادمان هست که «کریم باقری» زیر فشار مهاجمان پاس زیر توپ می‌زد و آقای چراغپور می‌فرمود: «ببینید کریم طراح دور پرسپولیس است.» (یعنی مثلاً از فاصله دور با پاس‌های بلند حملات را سازماندهی می‌کند!)

اگر هنوز متوجه نشدید که درباره چه کسی حرف می‌زنیم باز هم راهنمایی کنیم. ایشان در برنامه‌های اول پس از حذف تیم ملی در شبکه ۳ حاضر شدند و درباره گل اول مکزیک گفتند: «ما پنج سال پیش در بازی دوستانه روی ضربه ایستگاهی ارسالی تیر اول از آنها گل خورده بودیم. آنها می‌دانستند ما آن بازی را دیده‌ایم و روی ایستگاهی‌ها تیر اول را می‌گیریم. بنابراین این توپ را فرستادند تیر دو و تمام.» اما بعد که صحنه‌های بازی را دوباره دیدیم، هیچ مدافعی از ایران روی تیر اول نبود! یادتان نیامد؟ ای بابا، آقای چراغپور همانی هستند که صبح روز بازی ایران- پرتغال پیش‌بینی کردند فاجعه‌ای در پیش است. (منظورشان باخت با تعداد گل بالا بود) اما، خب ما از یکی از چهار تیم مرحله نیمه‌نهایی فقط دو گل خوردیم که چندان فاجعه‌آمیز نیست. باز هم راهنمایی کنیم؟ چشم. چند سال پیش که مسئولان استقلال اهواز به امید استفاده از «علم روز» آقای چراغپور را به سمت سرمربیگری تیم خود منصوب کردند، ایشان در اردوی پیش از فصل در مجموعه انقلاب بعد از تماشای بازی دوستانه فرانسه – هلند به سراغ مجید نوروزی مهاجم تیم رفت و به او دستور داد مثل فلان بازیکن یکی از دو تیم از امروز در نقش دفاع آخر تیم بازی کند. نتیجه چه شد؟ تا آنجا که در ذهن داریم استاد پس از سه بازی به تهران بازگشت. خب، قبول کنید که اگر هنوز یادتان نمی‌آید اشکال از خودتان است، چون آقای چراغپور به سبب همین مسائل آدم کاملاً شناخته شده‌ای است. به عنوان آخرین نشانی خاطرنشان می‌کنیم که ایشان چند سال پیش برنده جایزه بهترین نویسنده ورزشی جشنواره مطبوعات نیز شده است. شوخی می‌کنیم؟ خیر. بروید از آقای نادر داودی مدیرمسئول ماهنامه تماشاگران بپرسید.

خب، غرض از این نوشتار این بود که برسیم به آخرین اظهارنظر آقای چراغپور کارشناس بزرگ فوتبال ایران که فرموده‌اند: «از حرف‌های رنه سیموئز کاملاً پیداست که او مربی کوچکی است، حتی کوچکتر از برانکو. او با صحبت‌های فنی پیش‌پاافتاده و بی‌محتوا که حتی افراد غیرفوتبالی آن را متوجه می‌شوند نشان داد به مسائل فنی چندان واقف نیست.» استاد ضمن بیان این جملات از فدراسیون فوتبال خواسته درباره تیم امید تصمیمی جدی بگیرند...

امروز و در شرایطی که در اصل فضای «ضدمربی خارجی» حاکم بر بخشی از فوتبال ایران شجاعت چنین اظهارنظری را به ایشان که با پز «ضدمستشارگرایی» پیش می‌رود داده است، ذکر چند نکته ضروری است:

۱ – شکست تیم ایران در آلمان نه فقط نتیجه رفتار و منش و میزان آگاهی برانکو که نتیجه کارکرد مجموعه فوتبال ایران است؛ فوتبالی که اندازه کمی و کیفی آن در مقایسه با آنها که در ردیف ما به نظر می‌رسند نیز نازل است، چه رسد به کشورهای صاحب فوتبال که در جام جهانی جلوه‌ای از داشته‌هاشان را به چشم دیدیم. طبیعتاً نادیده گرفتن مشکلات ساختاری بی‌حد و حصر فوتبال ایران و متهم کردن شخص مربی، چاره کار نیست. اما به نظر می‌رسد فضا به دوستانی مثل آقای چراغپور تا این حد اجازه اظهارنظر می‌دهد. آیا به عنوان مثال عجیب نیست که هیچ یک از کارشناسان حاضر در برنامه‌های تلویزیونی هرگز به نقش سازمان تربیت بدنی در اضافه کردن مشکلات بر پیکر ضعیف تیم ملی اشاره نکردند؟

۲ – طبیعتاً فوتبال ایران «نباید» در مسیری قرار بگیرد که در گذشته قرار داشت. البته این نکته درست که سرمایه‌گذاری روی مربیان ضعیف اهل کرواسی چندان راهگشا نیست، اما چه کسی است که تاثیر همین درجه چندم ما را انکار کند؟

ادامه در صفحه ۲۶